

# بی آبی

کارگران ضد سرمایه داری / شهریور ۱۴۰۱



بی آبی مفرط نه تنها در مناطقی نظیر سیستان و بلوچستان، کرمان، یزد و اصفهان بلای جان و مشکل روزمره توده های کارگر شده بلکه مدتها است که کارگران مناطق پر آب و بارانی نظیر کهگیلویه و بویر احمد، چهارمحال و بختیاری و همدان و برخی مناطق شمالی نیز با مشکلات تامین آب شرب مواجه شده اند. قدری به ریشه یابی در این زمینه که به معضلی حیاتی برای توده کارگر تبدیل گردیده و منجر به اعتراضات توده های انبوه کارگر شهرها شده، پردازیم. آب در بنیاد خود یک عنصر طبیعی است. اما نظام سرمایه داری آن را به سرمایه تبدیل می کند، جزء کاملاً رایگان یا بسیار کم بهای پروسه تولید سود می نماید، به جای آنکه رفع تشنگی کارگر کند، آن را از دسترس او خارج و ابزار تشدید استثمار وی می سازد، آب بعنوان وسیله شرب، شستشو و نظافت توده های کارگر مدت ها است توسط سرمایه قبضه شده، به سرمایه تبدیل گردیده و از توده های کارگر گرفته شده است.

آب بعنوان ماده اولیه و کمکی بسیاری صنایع نظیر فولاد و سایر فلزات، صنایع پتروشیمی، صنعت تولید برق و انرژی، صنایع تولیدات کشاورزی بزرگ (تحت نام شرکت های کشت و صنعت) است. سیستم تامین انرژی از طریق آب یکی از ارزانترین و بی دردسرترین تکنیک های

تولید انرژی برای صاحبان سرمایه در این حوزه است. ایجاد سد که با هدف تامین انرژی و ایجاد سیستم آب رسانی به کشت و صنعت ها، صنایع تولید فلزات و پتروشیمی ها و شهرها انجام میشود باعث در هم ریختن تعادل آب در محدوده های جغرافیایی می شود.

مطابق آمار رسمی وزارت نیروی ایران اکنون ۷۴۶ سد مورد بهره برداری و ۳۸۶ سد در دست مطالعه و یا اجرا وجود دارد. این بدین معنی است که بطور متوسط ۹ سد بر روی هر رودخانه در ایران بسته شده است!! به همین دلیل سرمایه داری ایران بزرگترین ایجاد کننده سد در سطح جهان است! علاوه بر این و مزید بر این گرمایش زمین و افزایش دائمی آن به در هم ریختگی چرخش آب زمین افزوده است. باران ها شدید تر شده اند و تعداد دفعات آن ها نیز بیشتر از گذشته است.

تجمع آب در یک مکان باعث شدت تبخیر و به هدر رفتن آن می گردد و هم چنین با جلوگیری از عبور آن در مسیر هزاران ساله آن ها مخازن آب این مسیر ها رفته رفته خشک می گردد و مهمتر اینکه با خشک شدن مسیر طبیعی رود ها امکان سر سبزی و تاثیر اکوسیستمی رود خانه ها بر محیط اطراف از بین می رود. این بنوبه خود موجب افت شدید سطح آب های زیرزمینی گردیده، خلل و فرجی را در خاک به وجود آورده که زمین را شبیه اسفنج خشکی کرده که به جایی بند نیست و فرو می ریزد و در این فروریختن خاک مرده به پودر تبدیل شده و با باد حتی ملایمی جابجا می گردد. از بین رفتن سیستم جذب آب باران های شدید است بطوری که وقتی خاک مرده شد و بشکل اسفنج خشک به جسمی تبدیل گردید که دیگر قادر به جذب و نگهداری آب باران نبود آن وقت سیل شدن هر باران امری طبیعی خواهد بود. هر چند این وضعیت در سراسر جهان بخصوص در ده های اخیر شدت گرفته اما وضعیت و بلایایی که از این جهت (سیل و خشکسالی) بر سر توده های کارگر ایران می آید در سراسر این جهنم استثنایی و فاجعه بار است.

مقدار آبی که مصرف خانگی و شرب می شود بطور عمومی سهم ناچیزی (حدود تا ۵ درصد) در مقایسه با مصرف آب در کشاورزی و صنعت را تشکیل می دهد. نیاز های اصلی نه مصرف شخصی بلکه مطلقا صنعتی، تولید الکتروسیته، کشاورزی و دامداری است. در این میان آن بخش که لطمه اصلی را می خورد (و هم اکنون به شدت مورد هجوم است) همانا توده های طبقه کارگر و آب آشامیدنی و نظافت آن هاست. هرساله و در آغاز فصل تابستان نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان داد و قال کر کننده ای از طرف دولت های سرمایه و سازمان های مربوطه بر روی کاهش مصرف آب توسط توده های می شود. آیا واقعا چالش آب از جانب توده های کارگر است و آیا با فرض

کاهش مصرف آب شرب این چالش بر طرف می گردد؟!

چندی پیش باران، ریزش شدید باران در مناطق سیستان و بلوچستان، شمال تهران از شرق تا غرب، یزد، کرمان، اصفهان، مناطق شمالی موجب خرابی کومه ها، خانه ها و آشیانه توده های هم چون گذشته طعمه سیل شده است. توده های کارگر درگیر مصیبت های ناشی از امواج سیل و خانه خرابی ها که مزید برفقر، بی حقوقی، بیکاری و هزاران فاجعه ای که رژیم سرمایه بر سرشان هوار کرده، شده اند هنوز فرصت و شرایط پرداختن به مسائل دیگر را نیافتند که اکنون با بی آبی و تشنگی مواجه گردیده اند. هم کارگران سیل زده عاصی در سراسر ایران و هم توده های کارگر شهرهای استان های نامبرده می دانند که سرچشمه واقعی تمامی سیلاب ها، طوفان ها، خشکیدن رودخانه ها، صحرا شدن دریاچه ها، کویری شدن تالاب ها، کم آبی ها، خشکسالی های شدت یافته چهل و چند ساله و تمامی فاجعه های دیگر محیط زیستی نیز در وجود سرمایه است. اعتراضات آن ها با وجود پراکندگی، بی ارتباطی اما همرنج و همصدا از ریشه های سرمایه دارانه همه فلاکت هایشان می گویند. سرچشمه ها را می جویند و در این جستجو اصلی ترین و واقعی ترین عوامل را انگشت می گذارند. اما این کافی نبوده و در عمل نیز هیچ گره ای از مشکلات ما کارگران در این زمینه حل نکرده است. کارگران می توانند و یقینا می توانند بنیاد اعتراض خود را بر قهر آگاه طبقاتی علیه اساس سرمایه داری استوار کنند، درمبارزه علیه بی آبی، آلودگیهای زیست محیطی و در هر قلمرو دیگر به قدرت سازمان یافته شورائی خود اتکاء نمایند، یک قدرت متحد شورائی ضد سرمایه داری گردند. راه پیکار برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی را پیش گیرند. توده کارگر همواره این ظرفیت را داشته و دارد که مبارزه روز خود را مبارزه ای رادیکال علیه سرمایه داری سازد، از جمله در همین حوزه معین آب، الگوی خاص طبقاتی و سرمایه ستیز خویش برای خارج سازی کل آبهای سطح الارضی و تحت الارضی از سرمایه بودن، از سرمایه طبقه سرمایه دار بودن و به کارگیری آن به عنوان عنصر طبیعی پاسخگوی نیازهای واقعی و حیاتی انسانها را پیش کشد و برای تحقق آن جبهه پیکار گشاید. کارگران می توانند و باید چنین کنند، در غیر این صورت وضع همین است که هست و هر روز فاجعه بارتر خواهد گردید.